

گزارش سال ۲۰۰۷ دبیرکل: پائولو کوتا- راموسینو

به تاریخ اول مهر ۱۳۸۶ خورشیدی

برابر با ۲۳ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی

پوگواش: جنبشی با چند چهره

پوگواش قدیمی ترین سازمان موفق غیردولتی است که به مسائل مربوط به تسلیحات هسته ای، خلع سلاح هسته ای، و به گونه ای گسترده تر، به تسلیحات کشتار جمعی، می پردازد. این سازمان، بر پایه ی بیانیه ی راسل – اینشتن، به کشمکش های جاری و بالقوه ای توجه دارد که دولت ها، یا واحدهایی که درگیر آنها هستند، این گونه جنگ افزارها را در اختیار دارند، یا ممکن است، چنین جنگ افزارهایی را در آینده ای نزدیک، به دست آورند. پوگواش را، دانشمندانی بپاکرده اند که چنین باور داشتند که مهم ترین مسئولیت اجتماعی آنان، و به ویژه گروهی از آنان، که در کار ساختن بمب هسته ای یاری نیز رسانیده بودند، این است که دوباره این غول را به جعبه اش برگردانند، و بر آن نظارت نمایند، و در نهایت جنگ افزارهای هسته ای را از بین ببرند. در پوگواش، ما همواره کوشیده ایم تا نگاه افکار عمومی، و نیز نظریه پردازان سیاسی را به این واقعیت جلب کنیم که در فرجام کار، جنگ افزارهای هسته ای، با پیشرفت، و هم چنین با هستی انسان در چالش است. پوگواش، با دانشمندان، نظریه پردازان سیاسی، و متخصصانی سروکار دارد که همگی به نام شخص خودشان، و از کشورها، و ایدئولوژی های سیاسی، و زمینه های مذهبی گوناگون برآمده اند؛ یعنی کسانی که در گزینش های حکومت هایشان، و در مراکز سیاسی مربوطه شان، می توانند تاثیرگذار باشند. این چیزی است که ما آن را در اصطلاح نوین، پیشبرد **ابتکار عمل: مسیر II** می نامیم. طبیعی است که پوگواش، پای آن کسانی را نیز به میان می کشد که به جبهه های مخالف، و با هم

ناسازگار تعلق دارند؛ چه تاثیر متقابل بین این جبهه ها، در بسیاری از جاها، در پیش گیری از کشمکش ها، یا در حل درگیری ها، عنصر مهمی بشمار می رود. دست آخر، با توجه به این که این سازمان را، دانشمندی بنا نهاده اند که بطور مستقیم درگیر تولید تسلیحاتی با ویران گری ای وحشت انگیز بوده اند؛ پوگواش، همواره، بر این تکیه کرده است که جامعه ی علمی / فنی، در قبال عمل کردشان نیازمند آن است که مسئولیت اجتماعی خود را نیز به یاد داشته باشد. از نقطه نظر سازمانی، پوگواش، گرچه همواره خیلی انعطاف پذیر بوده است، ولی در برابر وسوسه های درگیر شدن در مسیری بوروکراتیک، که آفت دیگر سازمان هاست، مقاومت ورزیده است. پوگواش، از لحاظ جغرافیایی گسترده است، و اینک در پنجاه کشور حضور دارد، و به راستی یک سازمان بین المللی شمرده می شود، و نه یک سازمان غیردولتی بین المللی، که توسط یک کشور اصلی بنام مادر بنیاد و اداره می گردد. سرانجام پوگواش، یک سازمان ملل (متحد) کوچک هم نیست – یعنی جایی که در آن شرط انجام کارها، اتفاق جهانی بین نمایندگان کشورهای گوناگون است – بلکه در واقع بیشتر کارها بوسیله ی دفتر مرکزی خیلی کوچکی، پیاده شده و به مرحله اجرا درمی آید.

دگرگونی فراگیر بین المللی پیرامون مساله ی تسلیحات هسته ای

چهره های گوناگونی که در کار پوگواش وجود دارد، آن را در رودررو شدن، با دگرگونی های پرشتاب و فراگیر بین المللی، و پذیرش اوضاع و احوال جدید، به گونه ای موثر، آماده ساخته است. بدیهی است که مهم ترین دگرگونی ای که مورد نظر ما هستند، در رابطه با تسلیحات هسته ای، شمار این تسلیحات، کشورهای دارنده ی این گونه تسلیحات، و سیاست های هسته ای مربوطه به آن است.

پایان جنگ سرد و خلع سلاح خیلی محدود

در پانزده بیست سال گذشته، و به مرور سال‌ها، سرشت برخورد بین دو بلوک بزرگ، ایالات متحده و روسیه، تغییر یافته است. به ویژه، این که دیگر، شمار و مشخصه‌های تسلیحات هسته‌ای، به عنوان یکی از عامل‌های بنیادین (و اگر که نگوئیم به عنوان عامل اصلی)، در اندازه‌گیری برخورد قدرت، به کار گرفته نمی‌شود. با این حال، کاستن از تسلیحات هسته‌ای آماده‌ی به کار، که در موافقت‌نامه‌های نظارت تسلیحاتی پایان دهه‌ی هشتاد و آغاز دهه‌ی نود، پذیرفته شده بود، نتوانست تعداد چند هزار کلاهکی را که در دست دو ابرقدرت هسته‌ای است، پائین بیاورد. بنابراین، با این که، جنگ سرد پایان یافته، خلع سلاح هسته‌ای، مانند گذشته، هنوز هم چون چیزی است دست نیافتنی؛ و این در حالی است که در چارچوبی دیگر، و بی آن که روی مسابقه‌های دوجانبه‌ای که ویژه‌ی دوران جنگ سرد بود، تاکید زیادتری بنمائیم، جایگاه تسلیحات هسته‌ای هم چون نشانه‌ای از قدرت، هنوز برجای مانده است. از این فراتر، به غیر از افریقای جنوبی – در دوره‌ی گذار این کشور به دوران پس از جدایی نژادی – هیچ کشور دیگری، زرادخانه‌ی هسته‌ای خود را برنچیده است. جو تسلیحات هسته‌ای، که هنوز هم چون سکه‌ی (رایج) قدرت، برجای مانده، دولت‌های دلوپس غیرهسته‌ای را به شیوه‌هایی گوناگون به دشمنی با کشورهای هسته‌ای کشانیده است.

افول نظام نظارت بر جنگ افزارها

در دوران جنگ سرد، با توجه به این که تسلیحات هسته‌ای، در مرکز برخوردهای شرق و غرب قرار داشت، پیمان‌های نظارت جنگ افزارها، و گفتگو پیرامون تسلیحات هسته‌ای، به عنوان عنصری کلیدی در سیاست‌گذاری‌های کلی صلح و "دتانت" (detente) به شمار می‌رفت. در آن هنگام، مذاکره بر سر نظارت جنگ افزارهای هسته‌ای، در ابتکار عمل برای پیش‌گیری زدوخوردها، احتمالاً "مناسبی تام داشت. در پایان جنگ سرد، توجه به نظارت دوجانبه‌ی جنگ افزارها، یا ابتکار عمل‌های کاهش جنگ افزارهای دوجانبه، به شدت رو به کاهش نهاد؛ گرچه خطرهای پیوسته به تسلیحات هسته‌ای، همچنان برجای خود باقی مانده است. از این گذشته، موافقتنامه‌های نظارت جنگ افزارهای ویژه (مانند پیمان آ.بی.ام.

"ABM"¹ از کار افتاده اند، و امکان دارد که در طول زمان، یک رشته واکنش پیدا شود که کل نظام نظارت جنگ افزارها را که میراث جنگ سرد است، در هم بریزد. حقیقت امر این است که اینک نشانه های خیلی نگران کننده ای از پیدایش دوباره ی مسابقه ی جنگ افزارها، بین ایالات متحده (آمریکا) و روسیه، به چشم می خورد.

گسترش هسته ای پس از دوران جنگ سرد

مساله گسترش هسته ای، که در دوران جنگ سرد، بوسیله نظام دوقطبی (bipolar) نسبتاً زیر نظر بود، در دوره پس از جنگ سرد، گستره ی تازه ای به خود گرفته است. به طور کلی، سبب این که کشوری ممکن است به تسلیحات هسته ای روی آورد، مجموعه ای است از آرمان های حیثیتی و نگرانی های امنیتی. با این که جنگ سرد پایان گرفته، چه به صورت کلی و چه در مقایسه ی با دگرگونی های حدود پانزده سال گذشته، و نیز با اصراری که در تطبیق پنج قدرت رسمی هسته ای با عضویت دائمی آنها در شورای امنیت سازمان ملل (متحد) بعمل می آید، متأسفانه پرستیژ زیادی که با تسلیحات هسته ای پیوسته بوده، هم چنان بر جای مانده است. نگرانی هایی امنیتی نیز، پس از پایان جنگ سرد، از بین نرفته است. در پاره ای موارد، نبود موازنه ی دوقطبی، برخی از کشورها را در معرض فشار تنها ابرقدرت باقی مانده قرار داده، و در بعضی موارد دیگر، تنش های بین کشورهای قدرتمندتر هسته ای، و کشورهای غیر هسته ای کوچکتر، کشورهای کوچکتر را ترغیب کرده است، حداقل به عنوان سیاستی تضمینی، به سوی هسته ای شدن رو آورند.

در دوران پس از جنگ سرد، ما شاهد آن بوده ایم که سه کشور بطور رسمی و یک کشور به گونه ای غیررسمی، به فهرست کشورهای پنج گانه ی هسته ای افزوده شده اند. تعداد کشورهای هسته ای، هنوز اندک است، اما نباید فراموش کنیم که تقریباً نیمی ای از بشریت به کشورهای صاحب تسلیحات هسته ای، تعلق دارند، و برخی کشورها نیز متهم اند که به فن آوری هسته ای، آن هم برای مقاصد نظامی، ذی علاقه اند.

گسترش دهندگان بد و خوب

اخیراً، تاکید سیاست منع گسترش قدرت های بزرگ، به ویژه کشورهای غربی، بیشتر روی اعمال فشار، بر گسترش دهندگان بالقوه ی تسلیحات هسته ای است، تا بر مبنای توافقی عمومی که به منع گسترش منتهی شود. تحریم یا حتی جنگ، به عنوان ابزار جلوگیری از گسترش واقعی یا مشکوک بکار برده شده است. و شگفت آن که، هر چه کشورهای مورد انتقاد، به آستانه ی هسته ای شدن نزدیک تر می شوند، با احتیاط و احترام بیشتری روبرو می گردند. افزون بر این، کشورهای جدید، یا بالقوه هسته ای را به دو گروه تقسیم کرده اند: گسترش دهندگان خوب و بد (یا گسترش دهندگان بالقوه ی هسته ای). "خوبان" بخشوده شده و به شیوه های گوناگون پاداش گرفته اند، و در نتیجه، "بدان" را واداشته اند تا به جریان هسته ای شدن خود، شتاب بیشتری بدهند.

تجدید علاقه به انرژی هسته ای

با در نظر گرفتن این که حوزه ی فعالیت های نظامی و غیرنظامی هسته ای را نمی توان کاملاً با حائلی از یکدیگر جداساخت و این واقعیت که فن آوری هسته ای نظامی، در جنبه های کمتر پیچیده اش، یک فن آوری است که شصت سال از عمرش می گذرد و بنابراین، به سادگی، قابل دسترسی است، لذا در بررسی خطرات گسترش وسیع (هسته ای)، که اینک با آن روبرو هستیم، ویژگی دیگری که دارای اهمیت است عبارت از تجدید علاقه، به فن آوری هسته ای (غیرنظامی) به قصد دستیابی به انرژی می باشد. قابلیت استفاده از مواد شکاف پذیر، که نظارت بر آن، البته از اهمیت زیاد برخوردار است، مانع فنی عمده ای بر سر راه گسترش هسته ای می باشد. شایسته یادآوری است که پوگواش، از همه ی شکل های نظارت بین المللی بر تولید، انباشتن، و انتقال مواد شکاف پذیر جانبداری می کند.

وظیفه پوگواش سرزدن به منطقه ها و کشورهای است که در آن جا، گسترش هسته ای، یک مساله است

در جهانی که تعداد بازیگران مستقل هسته ای اش، بیش از دوران جنگ سرد است، سازمانی مانند پوگواش، نه تنها باید از هدف های خلع سلاح و منع گسترش هسته ای، به معنای کلی آن، پشتیبانی کند، بلکه هم چنین باید حضورش را نزد سوژه ها و منطقه های جدید گسترش بدهد و بکوشد تا موضوع های تفرقه انگیز، یا سرچشمه ی درگیری هایی را که ممکن است در منطقه هایی که تسلیحات هسته ای وجود دارد، یا گسترش هسته ای ممکن است به خطری جدی تبدیل شود، مورد توجه قرار دهد. در پنج دهه ی گذشته، این جزئی از کوشش بزرگی بوده است، که بوسیله پوگواش، انجام شده است.

جنگ سرد، برای ضبط و ربط کشمکش بین کشورهای هسته ای و گسترش دهندگان بالقوه ی (هسته ای)، تنها به عرضه ی یک مدل، اکتفا نمی کند: سرچشمه های زдохورد به تسلیحات، ارتباط ندارد

این که مدل جنگ سرد، پیرامون کشمکش بین کشورهای هسته ای، چگونه شکل گرفت، تنظیم شد، و در نهایت، کشمکش ها را کاهش داد، ضرورتاً نمی تواند، در مورد موضوع های گوناگون هسته ای – چه واقعی و چه بالقوه – که امروزه وجود دارد، بکار گرفته شود. برای هر سازمانی که به جلوگیری از یابش، پخش، و به ویژه بکارگیری تسلیحات هسته ای، حق تقدم می دهد، بر شمردن عوامل یادشده، اهمیت دارد. برای نمونه، در شعله ور شدن کشمکش بین هند و پاکستان، مساله ی کشمیر تاثیر بیشتری دارد، تا این که به شمار جنگ افزارهایی که در سراسر مرز (بین دو کشور)، یا در خط کنترل، جای داده شده، اشاره کنیم.

تروریسم "جدید"

دگرگونی مهم دیگری که نسبت به دوران جنگ سرد پیش آمده است، جایگاه تروریسم است. از یک سوی، پیداست که با در دسترس بودن مواد شکاف پذیر و به ویژه اورانیوم غنی شده²، گروه های تروریست می توانند به ساختن بمب یا وسیله انفجار هسته ای دست یابند. از سویی دیگر، رابطه ی بین سازمان های تروریستی، در سال های گذشته، به ویژه از یازدهم سپتامبر، افزایش یافته است. به ویژه، در جوامعی که از درون، غالباً با انهدام های گزینشی، موردتهاجم قرار گرفته اند، این نقطه نظر جاافتاده است که ممکن است از خاکستر خرابی ها، دسته ی جدیدی بر پایه ی ایده هایی "جدید" سربر آورند. این گونه برخورد هزاره گرایان³، به دنبال نابسامانی های غیرقابل تردیدی که ناشی از سوء اداره ی برخی از وضعیت های بحرانی خاص (مانند افغانستان، عراق، و به طور کلی خاورمیانه) بوده است، زمینه ی گسترده و جذابی یافته است. و از لحاظ خطرهای هسته ای، تردیدی نیست که تنها چیزی که حائل بین افراد هماهنگ دست به کار، و حمله تروریست هسته ای است، در دسترس بودن مواد شکاف پذیری است که خصوصاً پس از انهدام اتحاد شوروی، آن را نیز نمی توان نادیده گرفت. یکی از جنبه های خیلی مهم، در برخورد با تروریسم، این است که نباید همه گروه های رادیکال، چه گروه های فعال، و چه تروریست های بالقوه را، یکی شمرد. روش های کنونی در خاورمیانه، به ویژه آن جا که این اشتباه را مرتکب شده اند، مساله را بی اندازه دچار پیچیدگی ساخته است. اگر گروه های رادیکال را، بی آن که بین آنها تفاوتی بگذاریم، یکسان بیانگاریم و با همه آنها به نام تروریست رفتار کنیم، در این صورت، شمار و اهمیت تروریست ها را به اجبار و به گونه ای غیرواقعی افزایش داده ایم. درگیر ساختن گروه های رادیکال، و اجازه دادن به آنها برای فعالیت در چارچوبی که قواعد ابتدایی مورد احترام باشد، و تفاهم نسبت به زمینه ی اجتماعی آنها، گرچه پیچیده است، اما کاری است بایسته.

بازگشت به جای نخست: نیروبخشیدن به خلع سلاح و استحکام پیمان منع گسترش⁴

یکی از افسانه های رایجی که برای توجیه عدم پیشرفت در خلع سلاح هسته ای گفته می شود، این است که گسترش هسته ای، به نبود پیشرفت یا پیشرفت در امر خلع سلاح، ربطی ندارد. در

غیاب خلع سلاح، فضایی بین المللی بوجود می آید که در آن تسلیحات هسته ای، چون سکه ی رایج قدرت، و مانند ابزار سلطه به شمار می آید. بازتاب چنین فضایی، از لحاظ زمانی متفاوت، و غالباً "غیرقابل پیش بینی" است. اما در چنین فضایی است که اوضاع و احوال مشخص می شود، و کشورها، دیر یا زود، تشویق می شوند که راه و روش کشورهای قدرتمندتر را دنبال کنند. ماده ی ششم پیمان منع گسترش، پاداشی بلاعوض به کشورهای غیر هسته ای نیست. قصد این بوده و هست که این تعهد واضح باشد. تمایز بین گسترش دهندگان خوب و بد، چندان هم غیر عادلانه نیست تا جایی که مانع از تولید (تسلیحات) باشد. این تمایز موجب افزایش توجهی فاجعه آمیز به هسته ای شدن می گردد. در پیمان منع گسترش، عدالت و انصاف وجود دارد؛ و در درازمدت، موثرترین راه، برای برخورد کردن با خطرهای گسترش (هسته ای) است. درین جا مخصوصاً، باید از نگهداری ساختار کنونی موافقت نامه های نظارت بر جنگ افزارها، و در واقع به منظور اصلاح آنها، در عین اجتناب از پاره ای گزینش های سوال برانگیز، مانند استقرار شبکه های BMD که موافقتنامه های موجود را به خطر می اندازد، حمایت کرد.

اصلاح نظارت بر مواد خطرناک و فن آوری هسته ای

به کوشش فراوانی در جهات گوناگون نیاز است تا (سیستم) نظارت بر مواد شکافتنی اصلاح شود، و به رغم گسترش هسته ای، توسعه و گسترش فن آوری هسته ای ایمن باشد. بسیاری از ایده ها، از اصلاح روش حفاظت گرفته، استقرار مراکزی بین المللی برای تولید سوخت هسته ای، جانبدارانی یافته است. اگر این برداشت را داشته باشیم، که چنین اقداماتی به صورتی غیر عادلانه به روش برخی از دولت های معین، تحمیل می شود، بسیاری از این ایده ها، پیاده نخواهد شد. کشورهایی که نسبت به گسترش تولید انرژی هسته ای، ذی علاقه بوده اند، حتی برای امضاء پروتکل اضافی سازمان انرژی هسته ای (IAEA) آمادگی نداشته اند، تا چه رسد به ایده ی همکاری نسبت به الزام حفاظتی پیشرفته تر. ایده ی اعمال حفاظت ها، یا منع دستیابی به بخش هایی از جریان تولید انرژی هسته ای، بر مبنای داشتن حق، این خطر شدید را

دربردارد که نخست فاقد اثر است، و هم چنین موجب گسترش بیشتری هم می شود. نیز درباره ی نیاز به فعالیت های مراقبتی، به قصد ایمنی مواد شکافتنی جداگانه (و مازاد بر نیاز)، و انبار کردن، یا از بین بردن کلاهک ها، به ویژه لازم است، یادآوری ای صورت گیرد. این مساله ای بحث انگیز است که پوگواش، در بسیاری از نشست های گذشته خود، به آن پرداخته است، و فعالیت بین المللی شدیدی نیز در این زمینه درکار است. اگر می باید موضوع تروریسم هسته ای، در سطح جهانی، جدی گرفته شود، در این صورت، وسعت بخشیدن به فعالیت هایی که یاد شد، و همین طور، درگیر ساختن کشورهای به غیر از روسیه، اهمیت می یابد.

بررسی ریشه ی علل دشمنی، و زدوخوردها، در مناطقی که تسلیحات هسته ای، از عوامل مطرح بشمار می رود

ثبات اوضاع و احوال، در مناطقی که تسلیحات هسته ای عامل مطرح است (چه به صورت موجود، و چه به گونه بالقوه)، نیازمند به رسیدگی به مسائل پیچیده ای است که زدوخوردهای نظامی (یا هسته ای) یکی از آنان می باشد. دشمنی بین کشورها، یا جوامع، ناشی از انگیزه های گوناگون سرزمینی، مذهبی، فرهنگی، و اقتصادی است. دشمنی می تواند برآمده از بی اعتمادی های جاری، یا ریشه در ضدیت های گذشته داشته باشد. طرح این مسائل، و ترویج گفتمان بین مرزها و بین خطوط جداکننده، در کم کردن از تنش ها، سهم اساسی خواهد داشت، و روابطی بهتر را که روی ثبات نظامی نیز اثر می گذارد، به وجود آورد. نکته ای که باید در این جا تاکید کرد این است که کم کردن خطرهای زدو خورد (که ممکن است با تسلیحات هسته ای باشد)، و ترویج برنامه ای دوجانبه، با تمرکز روی منابع خصومت ها، خیابانی دوطرفه است.

روش پوگواش در گردآوردن منتقدان از جبهه های گوناگون

آن چه که پوگواش در گذشته انجام داده است، و قصد دارد، حتی در آینده، بیشتر انجام دهد، فراهم ساختن امکان گفتمان بین مردمان کلیدی از کشورهای یا جوامعی است که روابطی

خصمانه دارند. گفتمانی که پوگواش، ترویج می دهد غالباً " خیلی شخصی است، و در معرض عمومی قرار نمی گیرد، و من مایلم فروتنانه اضافه کنم، که انتظار نتایج فوری، همواره دشوار است. این گونه نشست ها، معمولاً " محدود به شمار اندکی از شرکت کنندگان است. اما، این را هم باید افزود که در شرایط بحرانی، مانند خاورمیانه، جنوب آسیا، شمال شرقی آسیا، و دیگر مناطق، مخصوصاً، ما مراقب این واقعیت بوده ایم که آغاز یک گفتمان در بین افرادی برگزیده، از دوسوی خطوط جداکننده، تعهدی بزرگ است، و هر نتیجه ای در این راستا، با خود، ارزش قابل توجهی را دربردارد، که نباید آن را کم اهمیت شمرد. انتقال دادن مردمی که در آن سوی مرزها هستند، یا نشانیدن مردمی که از جبهه های گوناگونند، گه گاه، هم بسیار دشوار، و هم بسیار مهم است.

برخورد با دیگر انواع تسلیحات کشتار جمعی⁵ و با تسلیحات سنتی

درمورد برخورد پوگواش با نظارت، و یا محدودیت برخی از انواع خاص تسلیحات، سنتی دیرپا وجود دارد. این انواع خاص تسلیحات، مشتمل اند بر تسلیحات غیرهسته ای، که هم چنین، به آنها (درست یا نادرست) گفته می شود، تسلیحات کشتار جمعی. تسلیحات شیمیایی، و بیولوژیکی، به این گروه تعلق دارد. انواع دیگر تسلیحات سنتی، از بمب های خوشه ای، تا جنگ افزارهای کوچکی که در مناطق بحرانی، به وفور، بکار گرفته می شوند، نیز در حوزه ی توجه پوگواش قرار دارد.

بازگشت به آینده: مسئولیت جهانی دانشمندان و تصمیم گیرندگان

پوگواش، به دست گروهی از دانشمندان (که غالباً " فیزیک دان بودند) پاکرفت که به برآیند فعالیت های علمی خود، و به نتایج هولناک آن بر جهان، توجه داشتند. پایه گذار پوگواش، جو روتبلات (J.Rotblat) به این طبقه از دانشمندان وابسته بود. این را باید بگوئیم که او تنها کسی بود که از پروژه ی مانهاتان⁶، هنگامی که برایش روشن شد که آلمان نازی دیگر بمب هسته ای

نخواهد ساخت، کنار رفت. او با رهاکردن کار ساختن بمب (هسته ای)، پیش از این که به نتیجه ی نهایی برسد، این پیام را بما داد که از نظر ماکماکان، به عنوان عنصری که اساس فعالیت ماست، حائز اهمیت حیاتی است. دانشمندان، تصمیم گیرندگان، و رهبران نظامی تنها تعهد یا وابستگی صرف به کشور یا زمینه ی اعتقاد سیاسی – مذهبی خودشان را ندارند. آنان بیشتر و بیشتر، مسئولیتی جهانی دارند. رفتار ما درین کره ی خاکی باید شرایط زندگی برای همه ی ما را مد نظر قرار دهد. تصمیم گیرندگان، یا دانشمندان – اگر آنها با تصمیم گیرندگان، یا دانشمندان هم تراز از کشورهای گوناگون، یا از محیط های سیاسی – فرهنگی – مذهبی تعامل نکنند – غالب اوقات، جوهر واقعی این مسئولیت جهانی را درک نمی نمایند. مسئولیت جهانی وقتی کاملاً درک می شود که برابری، تعامل، و مبادله ی فرهنگی فرامرزی، روا داشته شود. پوگواش، وسیله ایست برای این گونه کارهای متقابل. پوگواش، سازمان کوچکی بوده، و همینطور هم خواهد ماند، اما فرض ما این است که معتقدیم حتی پس از پنجاه سال، ما در تقویت مسئولیت بین المللی، نقشی بعهدہ خواهیم داشت.

¹ ABM: Anti-Ballistic Missile System

² High-enriched Uranium (H.E.U.)

³ Millenarist

⁴ NPT: Non-Proliferation Treaty

⁵ Weapons of mass destruction

⁶ The Manhattan Project